

سال دوم

جلسه ۱۰۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۱ / ۲ / ۱۹ سه شنبه

بحث سوم:



(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

ما می گوئیم

مبنای اول : مبنای مرحوم آخوند

«موضوع له «هذا» مفرد مذکر است

اولا :

مراد آخوند ممکن است این باشد = اشاره، «شرط واضح» باشد
در این صورت مراد آخوند، آن است که :
لفظ، وجود لفظی مفرد مذکر است

دفاع ما از مرحوم
آخوند

ثانیا :

ممکن است مراد مرحوم آخوند = حرفی باشد که مرحوم عراقی مطرح
کرده است

(ب) کلام مرحوم عراقی

ما می گوئیم

موضوع له اسماء اشاره :

وضع شده اند برای معروض اشاره (مفرد مذکر) اما در حال اشاره.

پس اشاره و تقيّد به آن در موضوع له اخذ نشده است.

بلکه موضوع له، حصّه ای از عنوان مبهم (مفرد مذکر) است (حصّه ای که عبارت باشد از «مفرد مذکر در حال اشاره») ولی مقیّد به اشاره هم نشده است

(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

موضوع له لفظ «هذا» :

«المشار الیه المفرد المذکر»، از آن حیث که متعلق اشاره واقع می شود

در این صورت = اشاره، مرآت ملاحظه آن مفرد مذکر است.

«المشار الیه المفرد المذکر»، فی نفسه یک مفهوم کلی است
و اگر بخواهیم آن را اراده کنیم حتماً در ضمن فردی از افراد این مفهوم
است

چراکه بالبداهة اشاره از جزئیات «اشاره» است

و بالبداهة اشاره، اقتضا می کند که مشاراً الیه معین باشد

**مبنای دوم : مبنای
هدایه المسترشدین**

(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

ما می گوئیم

نتیجه سخن ایشان :

«مشارّ الیه» داخل در موضوع له است

و جزئیت، ناشی از «اشاره» است

چه اشاره خارجی و چه اشاره لفظیه

مبنای دوم : مبنای
هدایه المسترشدین

اشکال اول

امتناع «وضع عام ؛ موضوع له خاص»

اساساً در بحث از وضع گفتیم که «وضع عام ؛ موضوع له خاص» ممتنع است
و لذا از این جهت مبنای مرحوم اصفهانی مردود است.

اشکال مرحوم روحانی

اشکال دوم

این جواب، **جدلی** است

لازمه کلام ایشان = وضع الفاظ برای «**موجودات خارجی**»

چراکه :

- اشاره خارجی در موضوع له، دخیل است

- و اشاره خارجی جز به موجود تعلق نمی گیرد

پس : «زید مقارن اشاره خارجی» هم موجود خارجی می شود

در حالیکه هم مرحوم اصفهانی و هم مرحوم خوئی قبول ندارند که موضوع له می تواند

«موجود بما هو موجود» باشد

ما هم گفتیم :

وضع لفظ برای «موجود خارجی» امتناعی ندارد ولی خلاف «متفاهم عرفی» است

سؤال :

آیا لازمه سخن
مرحوم اصفهانی آن
است که موضوع له،
«موجود خارجی»
باشد؟

پاسخ مرحوم روحانی : بلی !

از آنجا که طبق نظر ایشان «اسم اشاره» را همراه با اشاره خارجی
بیاوریم، لاجرم آنچه مستعمل فیہ و موضوع له «هذا» می شود،
«وجود خارجی زید» است

چراکه : اشاره خارجیہ جز به وجود خارجی تعلق نمی گیرد

(۲)

ما می گوئیم

اولا :

ممکن است مرحوم اصفهانی بفرماید :
موضوع له «هذا» = «مفهوم زید» به شرط اشاره به «مصدق» است

دفاع

از مرحوم اصفهانی

ثانیا :

امکان تطبیق کلام ایشان با مبنای «وضع عام موضوع له عام»
به اینکه : اسماء اشاره وضع شده است برای مفهوم عام مفرد مذکر به
شرطی که بر مصداق خارجی (وجود خارجی) منطبق شود.

اشکال مرحوم اصفهانی

اشکال سوم

مرحوم اصفهانی می فرماید: «عند تعلق الاشارة به خارجاً او ذهناً»

حال «اشاره ذهنیه» یعنی چه؟

اشاره ذهنیه نداریم!

- مشارّ الیه «خارجی» داریم (زید)

- مشارّ الیه «ذهنی» داریم (مفهوم انسان)

- یک اشاره خارجی داریم (بالا آوردن دست)

- و یک اشاره لفظیه (هذا)

و اگر جایی اصطلاح اشاره ذهنیه، به کار برده می شود، مراد «اشاره لفظیه به مشارّ الیه ذهنی»

است

اشکال مرحوم اصفهانی (۲)

اشکال سوم

قطعاً مراد مرحوم اصفهانی، این اصطلاح نیست

چراکه می گوید :

«هذا» به شرطی «اشاره لفظی» است که همراه با «اشاره خارجی» یا «اشاره ذهنی» باشد

حال : شاید با توجه به همین اشکال مرحوم خوئی، «اشاره ذهنی» را از تعریف مرحوم

اصفهانی حذف کرده و به مبنای دیگری قائل شده است.